



می دید نظم جهان درهم شده است. اما خدا بسیار دقیق است. هیچ انسانی نمی تواند این چنین دقیق باشد. همیشه بی حوصلگی ملایم، غم ناشناخته ای، همیشه حسی هست که باعث شود ما از برنامه همیشگی مان دست بکشیم. اما حساب خدا با همه فرق دارد. و همین خوب است. همین که کار جهان دست اوست و قدرتی بالاتر از او وجود ندارد. او که حواسش به دنیاست، خیال همه ما راحت است.

در برنامه عظیم او هر چیزی در جای خودش قرار دارد. هر چیز در زمان خودش اتفاق می افتد. من همیشه همه خواسته ها و آرزو هایم را به او می گوییم؛ بعد با خیال راحت منتظر روزی می شوم که مرا اجابت می کند. او فراموش نمی کند تا نیازی باشد که خواسته ام را بارها یادآوری کنم. جشم هایش را نمی بندد که ناگزیر بخواهم با هزار راه و روش نشانش بدهم. گوش هایش نیز همیشه شنوای هستند و برای همین است که من همیشه سعی کردم جشم هایم را روی هر روزهایی که غیر از نور او باشد، بیندم و گوش هایم را برای صدای اجابت او شنوای نگه دارم. مگر می شود کسی که جهان و زندگی را چنین هدایت می کند که از راه رسیدن هر کدام از لحلقات او قدر لحظه ای دیر و زود نشود. مرا که بهترین مخلوقات او هستم، از یاد ببرد یا نیاز و آرزویم را فراموش کند؟!

وقتی او حواسش هست، خیال راحت است. همین کافی است که او می بیند و می شنود و می داند. او از همه خواسته ها و آرزو هایمان، از نظم جهان، از روال زندگی و از هر چه خلق کرده است، نگهبانی می کند و این کار را به هیچ مخلوق دیگری نمی سپارد. همین که او نگهبان است، برای من کافی است چون می دانم او که می بیند و می تواند. همان کارساز ماست و زندگی مان را به زیباترین شکل رق می زند.



پاییز دست و پاهایش را کش داد تا خستگی اش در برود. به قد بلدا بلنده شد و بعد جایش را به زمستان داد. پاییز برگ های رنگارنگیش را از روی شاخه ها جمع کرد و در چمدانش گذاشت. تا سال بعد دوباره آن ها را بر شاخه ها بیاورد و شهر را رنگارنگ کند.

انگار از همین اولین روز زمستان بُوی برف در شهر پیچیده است. فصل ها همیشه از پی هم می آیند و می روند و کمتر کسی حواسش به آن هاست. به اینکه اگر آن ها چنین منظم از پی هم نمی آمدند، روال دنیا بهم می ریخت. با خودم می گوییم اگر کار دنیا دست موجودی شبیه به آدم بود، حتماً حسای آشفته می شد. شاید یادش می رفت باران را بیاراند، شاید حوصله اش نمی گرفت خورشید را در آسمان بتایاند و شاید یک روز خواب می ماند و تابه

**وَكَفَى بِبَرْنَكَ وَكِيلَا**  
و کافی است که بپروردگارت نگهبان  
و کارساز (امور بدنگان خود) است.  
(بخشی از آیه ۶۵ سوره اسراء)

# مرا می شنود

